

فلا خان

تاریخ و روح

اودو تو

(دانشگاه فنی خاورمیانه در آنکارا)

بسیم جان زیرج

برگردان سعید مظفری

DOĞU TEKNİK U
E EAST TECHNICAL

تاریخچه‌ای

در باب شکل‌گیری و نهادینه شدن نسل‌ها :

تاریخ روح «اُهو»

(دانشگاه فنی خاورمیانه، در آنکارا)

بسیمر جان زیرح

برگردان سعید مظفری

مقدمه‌ی مترجم:

بی‌شک وقتی درباره‌ی تاریخ مقاومت دانشگاه‌ها در ترکیه صحبت می‌کنیم یکی از اولین دانشگاه‌هایی که به ذهن خطور می‌کند دانشگاه فنی خاورمیانه معروف به «اُدتو» است. این دانشگاه مخالف و چپ‌گرا که اینک ۶۱ سال دارد و به عنوان پنجمین دانشگاه ترکیه شروع به تولید علم کرده است، همواره در صدر دانشگاه‌هایی بوده که نماد مقاومت و انقلاب را با خود به یدک می‌کشند. برای درک بهتر جایگاه دانشگاهی «اُدتو» بهتر است کمی درباره‌ی خصوصیت‌های مبارزاتی آن صحبت کنیم. یکی از خصایص این دانشگاه برخورداری از یک پردیس مرکزی بزرگ و شهرمانند با جنگل‌های وسیع است که البته مزاحی رایج نیز در آنکارا درباره‌ی وسعت این دانشگاه وجود دارد: «اگر آنکارا را به چهار قسمت تقسیم کنیم، سه قسمت آن شامل مناطق نظامی و سیاسی می‌شود و قسمت دیگر «اُدتو». پردیس این دانشگاه را می‌توان به یک شهر تشبیه کرد. خوابگاه‌های دانشجویی دولتی و خصوصی، خانه‌های باغچه‌دار برای اساتید، بیمارستان، مرکز خرید و کتابخانه‌ی بزرگ از جمله امکانات موجود در پردیس این دانشگاه هستند.

ویژگی سیاسی متمایزکننده‌ی این دانشگاه در مقایسه با دیگر دانشگاه‌های ترکیه این است که در دیگر دانشگاه‌های

ترکیه احزاب و گروه‌های سیاسی از قبیل اسلامگرایان، ناسیونالیست‌ها و غیره فعالیت سیاسی در قالب انجمن‌های دانشجویی دارند حال آن‌که در این دانشگاه عمدتاً گروه‌های چپ فعالیت دارند و به عبارتی فضای این دانشگاه تحت نفوذ عمده‌ی چپ‌هاست که خود این موضوع بی‌ارتباط با مرکزی بودن پردیس دانشگاه نیست. ۴۹ سال پیش سفیر وقت آمریکا در ترکیه، کومر که به «قصاب ویتنامی‌ها» شهرت داشت، برای بازدید به «اُدتو» می‌رود. زمانی که دانشجویان از این موضوع باخبر می‌شوند تجمعی اعتراضی را در مقابل ساختمان رییس دانشگاه، که کومر هم در آنجا بود، بر پا می‌کنند که با به آتش کشیده شدن ماشین کومر خاتمه می‌یابد. این فرهنگ سیاسی مبارزه‌جو و مقاومتی همواره با «اُدتو» به حیات خود ادامه داده است. یکی دیگر از وقایع این دانشگاه که گواهی بر تداوم این فرهنگ دارد در سال ۲۰۱۲ اتفاق افتاد. نخست‌وزیر وقت، رجب طیب اردوغان که قصد داشت برای افتتاح یک مرکز علمی راهی «اُدتو» شود با مقاومت دانشجویان روبه‌رو شد که نهایتاً مجبور شد با ۳ هزار پلیس وارد دانشگاه شود.

در این دانشگاه شیوه‌ی خطاب دانشجویان و اساتید و کارکنان دانشگاهی به یکدیگر هم یکی دیگر از نکاتی است که دلالت بر روح برابری‌طلبی این دانشگاه دارد. همه‌ی اعضای این دانشگاه یکدیگر را "استادم" (به ترکی hocam) خطاب می‌کنند که روایت‌های مختلفی در باب این موضوع وجود دارد ولی رایج‌ترین آن برابر کردن موقعیت‌های افراد و ایجاد رابطه‌ای برابر، دست‌کم در کلام، بین تمامی اعضای این دانشگاه است. نمود بارز این فرهنگ تاریخی زمانی خود را نشان می‌دهد که دانشجویان در زمان اعتصاب‌های کارگران خدماتی دانشگاه از این اعتصابات حمایت می‌کنند و صدایشان را به گوش سایرین می‌رسانند. جالب اینجاست که «اُدتو» توانسته است همین نوع از فن خطاب را در شهر آنکارا و در میان شهروندان ترویج کند و خود را به عنوان مؤلفه‌ای فرهنگی در ساختار شهری آنکارا جا بیاندازد. یکی دیگر از خصوصیت‌های زیرساختی «اُدتو» وجود ورزشگاه «انقلاب» (به ترکی devrim) است که در قسمت سکوه‌های این ورزشگاه کلمه‌ی «انقلاب» به زبان ترکی نوشته شده است. این نوشته که طبق شنیده‌ها پاک‌نشده‌ی است در دوران کودتا از جانب دانشجویان رشته‌ی شیمی نوشته شده و رؤسای دانشگاه و کودتاچیان وقت را به شدت عصبانی کرده بود. به روایتی در آن زمان یکی از فرماندهان نظامی با رییس دانشگاه تماس می‌گیرد و از او می‌خواهد که معترضان را "جمع کند" و سپس رییس دانشگاه ابراز ناتوانی از این کار می‌کند و نظامیان را برای زدودن نوشته‌ی «انقلاب» و سرکوب دانشجویان فرامی‌خواند که متعاقب آن نظامیان وارد دانشگاه شده ولی نمی‌توانند آن نوشته را پاک کنند.

در کنار این موارد، بی‌شک یکی از مهم‌ترین مراسم‌هایی که سالانه در این دانشگاه و اتفاقاً در ورزشگاه «انقلاب»

برگزار می‌شود، جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان است. دانشجویان تمام رشته‌ها که همراه با خانواده‌های خود در جشن فارغ‌التحصیلی شرکت می‌کنند، طی رژه‌ای به حمل پلاکاردهایی با شعارهای سیاسی-اجتماعی می‌پردازند که دارای مضامین خلاقانه‌ی انتقادی همراه با شوخ‌طبعی است. جشن فارغ‌التحصیلی امسال این دانشگاه که جمعه، ۷ جولای برگزار شد مثل همیشه پُرماجرا بود و به بازداشت سه نفر از دانشجویانی منجر شد که پلاکاردی در نقد اردوغان را با خود حمل می‌کردند. این رویداد با ترجمه‌ی متن حاضر مصادف شد. یکی دیگر از اتفاقات جشن امسال حمله‌ی حراست دانشگاه به دانشجویانی بود که پرچم جنبش دگرباشان جنسی (LGBT) را با خود داشتند و نیز به دانشجویانی که شعار "مصطفی و رشان کوک (رییس فعلی دانشگاه) نمی‌تواند رییس دانشگاه اُدتو باشد" را با خود حمل می‌کردند که نهایتاً با کمک دیگر دانشجویان جلوی این حمله گرفته شد و دانشجویان به رژه‌ی خود ادامه دادند.

تمام این ویژگی‌های منحصربه‌فرد در چهارچوب نظام دانشگاهی ترکیه منجر به پدیداری دانشگاهی با روحیه‌ی برابری‌طلب، مبارزه‌جو، مخالف و البته موفق به لحاظ علمی می‌شود. همان‌طور که در مقاله هم اشاره شده است، منظور از روح «اُدتو» ویژگی‌هایی از این دست است که همواره این دانشگاه را نزد مردم محبوب و نزد حکومت و نهادهایش منفور کرده است. این میراث دانشگاهی در مقاله بدین شکل توضیح داده شده است: «در طول این کتاب [«اُدتو»/مقاومت تاریخ] نهاده‌ی شدن میراث فرهنگی‌ای که از آن به عنوان روح "اُدتو" یاد می‌شود، در واقع نه در طول یک دوره‌ی شصت‌ساله بلکه در ظرف زمانی‌ای که در بین مجموعه‌ی پاکسازی‌ها نمایان شد و از نظر تقویمی کوتاه بود اما باقیمانده‌اش هم‌ارز عصرهاست، را مشاهده می‌کنید.»

بعد از ظهری که با هدف نگارش این مقاله پشت میزم نشستم حکم حکومتی شماره‌ی ۶۸۶ منتشر شده بود و فرآیندی که با بیانیه‌ی آکادمیسین‌های طرفدار صلح پس از ۱۵ جولای درونش قرار داشتیم به شکلی غیرقابل پیش‌بینی وارد فاز عمیق‌تری شد. مسئله‌ای که حکم حکومتی شماره‌ی ۷ ماه فوریه را از مورد قبلی متمایز می‌کرد روندی بود که نه اشخاص بلکه نهادها را هدف گرفته بود و به صورت بی‌پروایی تداوم خود را جسورانه اعلام می‌کرد.

در میان نهادهای هدف گرفته‌شده دانشگاه‌ها در صدر بودند، که خود این موضوع دارای اهمیت است زیرا دانشگاه‌ها هم از نظر اجتماعی و هم از لحاظ مکانی شاهد دوره‌های حائز اهمیتی در تاریخ جمهوریت بوده‌اند.

و باز هم از همین تاریخ متوجه می‌شویم که در رژیم سیاسی در ترکیه و هر زمانی که دولت از نو شکل گرفته دانشگاه‌ها که زمینه‌ی اجرایی این تخیل بوده‌اند همواره با فرآیند پاکسازی روبه‌رو شده‌اند. اما این بار شاهد تلاشی هستیم که نه فقط کادرهای آموزشی بلکه ساختار نهادی دانشگاه‌ها را نیز پاکسازی می‌کند. این موضوع را می‌توان از جهتی بدین قرار فهمید.

خوشمان بیاید یا نه تمام دوره‌هایی که ذکر کردم به نوعی به اتمام رسیدند. در این دوره‌ها دانشگاه‌هایی که نهادینه بوده‌اند مبدل به نقش اول فرآیند بازسازی متعاقب شده‌اند. این فرآیند نه فقط برای ترمیم دستاوردها از جانب دولت جدید بوده بلکه اجتماعی شدن مجدد اندیشه‌های انتقادی را هم به همراه داشته است.

بدین ترتیب امروز مهمترین نتیجه‌ی پاکسازی‌های تعمیدی یا غیرتعمیدی حکومتی که در فراندوم شکننده ظاهر شده این است که روند بازیابی پس از خود را دچار نقصان خواهد کرد و این در واقع مساله‌ای در رابطه با امکان و تداوم ترکیه به مثابه‌ی یک جامعه است.

یک اثر تاریخ شفاهی مهم

در این هیاهو بی شک صحبت کردن در مورد کتاب یالچین بورکو تحت عنوان «آدتو»/مقاومت تاریخ معنای به خصوصی خواهد داشت. قبل از هر چیز، این کتاب که در بازه‌ی زمانی سه ساله به اتمام رسیده، تاریخ شفاهی بسیار ارزشمندی را در اختیار ما می‌گذارد. بورکو تاریخ دانشگاه فنی خاورمیانه (آدتو) را در قالب سه دوره‌ی تاریخی مورد نظر قرار می‌دهد که این دوره‌ها به ترتیب «سال‌های تأسیس؛ ۱۲ مارس تا ۱۲ سپتامبر»، «۱۲ سپتامبر و پس از آن» و «دوران حزب عدالت و توسعه» را شامل می‌شود. بورکو با ۹۱ نفر که شاهد این دوره‌های تاریخی بوده‌اند مصاحبه کرده و روایت منحصر به فردی را به قلم در آورده است.

«آدتو» در این روایت به عنوان یکی از نهادهای مهم در نوسازی ترکیه معرفی شده است اما به موازات تحولات جاری در سیاست جهان، در مبارزات اجتماعی ترکیه نیز به نحو پیش‌بینی‌ناپذیری به عنوان یک نقطه‌ی عطف در برابرمان قد علم می‌کند.

در لابه‌لای سطور این روایت که بر مبنای دوره‌بندی بورکو شامل گاه شمار سیاست ترکیه‌ی پس از ۱۹۶۰ می‌شود، خصلت نهادینه و خودساخته‌ی دانشگاه فنی خاورمیانه در قالب کلیتی فرانسوی ظاهر می‌شود. انگیزه‌های ثانویه‌ی این روایت بدین قرار است: «در کشوری مثل ترکیه که به فرزندان خود امکان مشغولیت به چیزی غیر از خود را نمی‌دهد» این روایت در مورد جوانان حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

سه عنصر اساسی دانشگاه فنی خاورمیانه «اُدتو»

به نظرم می‌رسد در این چهارچوب خوانش کتاب فقط با آه و حسرتی نسبت به گذشته امکان‌پذیر نباشد. وقتی کتاب را به دست می‌گیریم احساس می‌کنیم که دعوتی نیز درباره‌ی تاریخ امروز و آینده‌ی «اُدتو» در کار است. علاوه بر این، بورکو که خود متوجه این دعوت است در مقدمه‌ی کتاب اهمیت صحبت از تاریخ «اُدتو» را بر مبنای سه عامل اساسی تبیین می‌کند. به گفته‌ی بورکو: «تاریخ «اُدتو» با مجادله‌ی چپ ترکیه پس از دهه‌ی شصت درهم تنیده و یک مسیر تاریخی را» تشکیل داده است. در این چهارچوب، قدم‌های منحصر به فرد فراوانی همانند تشکیل «هیئت امنای دانشجویی» (ÖTK) برداشته شد و فهم این تاریخچه از طرف نسل‌های جوان درک ارزشمندی را در باب مبارزه‌ی اجتماعی ترکیه برخواهد انگیخت. بورکو محور دوم را مبتنی بر یک تضاد تاریخی ویرانگر اما دارای امکان سازندگی می‌سازد که جمهوریت طبق آن شکل گرفته است. از نظر او «اُدتو»: «مونه‌ی مهم و یا حتی تنها مثالی است که نتایج مفید رابطه‌ی تنش‌آمیز اما مداوم چپ سوسیالیست با نوسازی بورژوازی در آن دیده شده است.»

چیزی که این جمله‌ی عجیب، که با دستور زبان دوره‌ی سیاسی متفاوتی نوشته شده، بر آن اشاره دارد درواقع مبارزه‌ی بین دانشگاه‌ها و طبقه‌ی بورژوازی است که بحثی در موردش نشده ولی اساس آن قراردادی است که امکان جامعه بودن و ادامه‌ی حیات ترکیه را فراهم می‌کند.

دقیقاً در دوره‌ای که این قرارداد لغو شد، محور سومی که این کتاب برایمان تصویر می‌کند به امروز ما اشاره دارد. آیا در مقابل این تصفیه‌هایی که امروز انجام می‌شود کاری از دست ما برمی‌آید؟ اگر شانس پرسیدن سوال چه باید کرد را داشته باشیم خود این چگونه باید ارزیابی شود؟ به نظرم این گونه سوال‌ها را باید با نگاه به این تاریخچه‌ی منحصر به فرد مورد بحث قرار دهیم. از این منظر، تاریخچه‌ی «اُدتو» شکاف عمیقی که در دانشگاه‌های ترکیه در حال به وجود آمدن است را برای ما آشکار می‌کند. این شکاف عمیق را ایلهان تکللی در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ بدین ترتیب توصیف کرد:

«آیا امروز بورژوازی ترکیه نیازی به کارکردهای یک دانشگاه مستقل دارد؟ برای ایجاد کنترل سیاسی بورژوازی در جامعه نیازی به دانشگاه مستقل ندارد و دانشگاه مستقل را به عنوان عامل مخرب این کنترل سیاسی می‌بیند. بورژوازی ترکیه به دلیل اینکه سرمایه‌گذاری‌هایش را بر مبنای واردات تکنولوژی کرده است از دانشگاه‌ها بیشتر انتظار دارد به جای پرورش مبدعان جدید واسطه‌هایی را پرورش دهند که این تکنولوژی وارداتی را انتقال دهند.»

(Ogretim Uyesi: ODTU Ogretim Uyeleri Dernegi Yayını, 1976, s.20)

به منظور سرکوب مطالبات استقلال دانشگاه‌ها در ترکیه و تحقق بخشیدن به هدف مهندسی نولیبرالی جامعه به کودتای نظامی نیاز پیدا شده بود و تصفیه‌ای مشابه پاکسازی‌های امروزی در حال انجام بود. استاد ما، حسن اونال (نالبانت‌اوغلو) که با حکم حکومتی شماره‌ی ۱۴۰۲ از دانشگاه اخراج و سال‌های زیادی را مجبور به زندگی در خارج از کشور شده بود، ۲۰ سال بعد در مورد دانشگاه‌ها اینگونه می‌نویسد: «چیزی که در وهله‌ی اول باید به آن فکر کرد شرایط جدیدی است که دانشگاه‌ها دچارش شده‌اند: ویژگی خاص "دانشگاه توده‌ای" امروز، یعنی تحت عنوان دموکراسی. اگر "دانشگاه تخصصی" قدیمی و "دانشگاه جامع سنتی" نقشی در تحت سلطه‌ی دولت-ملت مستبد بودن دانشگاه هومبولت داشته باشند، باز هم عنصر گریزناپذیر ایدئال دانشگاه یعنی "زندگی با اندیشه‌ها" (گادامر) تقریباً در حال نابودی است و شرایط جدیدی که مسئول شکل‌گیری "ارزش‌های رو به افزایش" تفکر بازارمحور و "تخصصی‌سازی" هستند در معنای محدودش عاری از صلاحیت است و این تفکر که عمل "به چه دردی می‌خورد" (اصل سودمندی) دانشگاه‌ها را در چنگ خود گرفته است.»

(Arayrg[ar: Bitim, Kiittlr, Universite, [2005] 2009, s.59-60).

در این راستا برای اینکه بتوانیم در مورد امروز صحبت کنیم قسمت آخر کتاب حائز اهمیت است. در حقیقت قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در مورد دانشگاه‌هایی که طی یک فرآیند جهانی در آشکارترین شکل خود به عنوان «تکنوکنت‌ها» ظاهر شدند مأموریت جدیدی آغاز شد که به مثابه‌ی تکمیل‌کننده‌ی تصفیه‌های امروز به این روایت افزوده می‌شود.

حتی اگر امروزه در برابر پاکسازی‌های موجود یک وجدان اجتماعی قدرتمند شکل نمی‌گیرد یکی از مهم‌ترین دلایل این موضوع اجماع جدیدی است که درباره‌ی وظیفه‌ی دانشگاه وجود دارد، و ظهور آن را نمی‌توان با بیانیه‌ی آکادمیسین‌های طرفدار صلح پوشاند. با حواله کردن این بحث به تاریخ می‌خواهم آخرین موضوعی را که به نظرم در مورد کتاب مهم است، بیان کرده و نوشته را به پایان برسانم. یکی از نام‌هایی که به تازگی او را از دست دادیم و در تاریخ ما نقد وی امری نادر است، یعنی جان برگر، در قسمتی از رمان منحصر به فرد خود "گ." این چنین می‌نویسد: «زمان نه با اعداد روی ساعت بلکه با تعداد دفعات تحقق‌یابی امکان‌هایی که درک کرده‌ایم، اندازه‌گیری می‌شود.» به عنوان یک تاریخ‌دان وقتی کتاب «اُدتو»/مقاومت تاریخ را می‌خواندم در باب زمان به دفعات این تعریف نسبی به ذهنم رسید. کتاب بورکو از نظر امکان بحث و گفتگو در باب شکل‌گیری نسل‌ها دارای ارزش و اهمیت بسیاری است، موضوعی که خود آن برای ما اهالی علوم اجتماعی محل کار جذاب و دشواری نیز هست.

روح «اُدتو»

در طول این کتاب نهادینه شدن میراث فرهنگی‌ای که از آن به عنوان روح "اُدتو" یاد می‌شود، در واقع نه در طول یک دوره‌ی شصت‌ساله بلکه در ظرف زمانی‌ای که در بین مجموعه‌ی پاکسازی‌ها نمایان شد و از نظر تقویمی کوتاه بود اما باقیمانده‌اش هم‌ارز عصرهاست، را مشاهده می‌کنید. از این منظر، کتاب «اُدتو»: مقاومت تاریخ، گواه شکل‌گیری خودانگیخته‌ی «روح اُدتو» است که برای راست محافظه‌کار حکم یک هیولای آزاردهنده را دارد. «روح اُدتو» چنان هیولایی است که حتی بزرگترین دشمنانش با تئوری‌های توطئه‌ی مختلف‌شان برای توضیح تکوینی که درکش نکرده‌اند، مجبور شدند حق چیزی را که من از آن به عنوان خودانگیختگی یاد کردم، به جا بیاورند. «طی سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۷۰ در "اُدتو" اختلالی غیرمعمول رخ داد. واژه‌ی اختلال در ذهن بسیاری از ما تصویر یک حرکت ناگهانی از جانب یک گروه اختلال‌گر مشخص، حرکتی یک‌شبه قابل انجام، و نهایتاً ظرف چند روز اتمام‌پذیر را ترسیم می‌کند. اما واقعه‌ی "اُدتو" در طول زمان در شکل یک اختلال تدریجی که ظرف دو سال گسترش یافت و باعث تغییر سرده‌های شورشیان شد ظاهر می‌شود.»

(A. Sadrk Mertogtu, 1971, Orta Dogu Teknik Universitesi Dosyası, s. 102).

منبع:

.Besim Can Zırh, Ödtü Tarih Direniyor, Yeni E Dergi, Mart 2017





